

پیاده سازی اخلاق اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) و امام رضا (ع) در دانشگاه فرهنگیان

محمد جابر سالاری گوهرریزی^۱، مجتبی طاقداری^۲، وحید هاتفی^۳، سید علی حسینی^۴

^۱ کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه خوارزمی تهران.

^۲ کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اردکان.

^۳ کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی پیام نور نطنز.

^۴ کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه پیام نور یزد.

نام نویسنده مسئول:

محمد جابر سالاری گوهرریزی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۷

چکیده

این پژوهش باهدف پیاده سازی اخلاق اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلامی از دیدگاه قرآن کریم، آموزه های امام علی (ع) و آموزه های امام رضا (ع) در دانشگاه فرهنگیان، انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است که با روش کتابخانه ای انجام شد. پرسش پژوهشی مطرح شده عبارت است از: از دیدگاه قرآن کریم و آموزه های امام رضا (ع)، شاخص های اخلاقی مؤثر بر روابط اجتماعی معلم - دانش آموز چه مواردی هستند؟ نتایج این بررسی نشان داد که با توجه به نگاه همه جانبه قرآن کریم به رشد اخلاقی انسان و با طبقه بندی آیات کریم پنج بعد اخلاقی در روابط اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است: رشد و تعالی علمی و اخلاقی، قسط و عدل، پاک سازی آلودگی ها، کرامت انسان، اعتدال و میانه روی. از دیدگاه امام رضا (ع)، اصول و مبانی روابط اجتماعی چنین بیان شده است: آراستگی، سخاوت، استعمال بوی خوش، زدودن بوی نامطبوع از بدن، تشکر و قدردانی، حفظ شأن در اجتماع و برخورداری از روحیه اجتماعی. از دیدگاه امام علی (ع)، عدالت در رفتار اجتماعی، احترام به شخصیت انسانها، گسترش عدالت، رسیدگی به یتیمان و محرومان. با توجه به اثرات عمیق ارتباط معلم و دانش آموز، لحاظ کردن شاخص های اخلاقی اجتماعی در دانشگاه فرهنگیان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: معلم، دانش آموز، اخلاق اجتماعی، امام علی (ع)، امام رضا (ع).

مقدمه

نظام های آموزشی عمدتاً وظیفه خود را انتقال معلومات و مهارت ها می دانند و آموزش کمتر به رشد همه جانبه و هماهنگ منجر می شود. با ورود به هزاره سوم، انتظارات جامعه از دستگاه تعلیم و تربیت به گونه ای روزافزون افزایش می یابد. در عصر حاضر، فراگیران اکثر اوقات خود را در محیط های آموزشی سپری می کنند. لذا نظام آموزشی تنها مسئولیت تدریس و انتقال مواد آموزشی و انباشتن اطلاعات در ذهن فراگیران را بر عهده ندارد، بلکه نظام آموزشی باید محیطی را برای فراگیران فراهم سازد که بتوانند از نظر معنوی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی رشد شایسته ای را داشته باشند (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳). به این ترتیب پرورش این ابعاد شخصیت، از اهداف عالی تعلیم و تربیت می باشد و تلاش برای وصول به این اهداف از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در فرایند تعلیم و تربیت باید به همه ابعاد تربیت و نیز همه مسایل انسان به طور منسجم و هماهنگ پرداخت، به نحوی که به نظری جامع درباره انسان، جهان و عالم هستی منجر شود. این آرمانی است که در تفکر مدرن و نظام های آموزشی برگرفته از آن مغفول واقع شده است. از اینرو، هایزنبرگ معتقد است برای رفع این نقیضه، نظام های آموزشی می توانند با اجرای مطالعات میان رشته ای فراگیران را در دستیابی به نظری جامع درباره انسان، جهان و عالم هستی کمک نمایند (ماهرزاده، ۱۳۸۵)؛ زیرا با استفاده از مطالعات میان رشته ای می توان میان دانش و بینش، هست ها و باید ها و به طور کلی علم و دین ارتباط برقرار ساخت و تربیت اخلاقی و معنوی را با یادگیری درآمیخت و از این طریق به هویت دینی دانش آموزان عمق بخشید.

دانشگاه فرهنگیان، دانشگاهی برای تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش، پیشرو در آموزش، پژوهش، تولید و ترویج علم نافع مورد نیاز آموزش و پرورش، سرآمد در آموزش و شایستگی های حرفه ای و تخصصی تربیت محور، توانمند در بهره گیری از فناوری های نوین آموزشی و تربیتی در انجام مأموریت ها، مبتنی بر معیارهای نظام اسلامی، توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت، استعدادها و شکل گیری هویت یکپارچه اسلامی - ایرانی - انقلابی دانشجو معلمان است (معاونت آموزشی و پژوهشی، ۱۳۹۱).

گیج (۱۳۷۹)، معتقد است هیچ فرد دیگری جز معلم نمی تواند تأثیر بیشتری بر آنچه در مدارس می گذرد، داشته باشد. معلم می تواند تعلیم و تربیت را به فرایندی توأم با لذت و کامیابی، یا فرایندی بی ثمر تبدیل کند.

آموزگار از هنگامی که وارد کلاس می شود تا هنگامی که زمان اختصاص داده شده به تدریس پایان می یابد به طور دایم با دانش آموزان در ارتباط است. ارتباطی که معلم با دانش آموزان برقرار می کند، در خصوص مطالب تدریس شده و مطالب و موارد غیر درسی است که نحوه و کیفیت هر دو می تواند بر یکدیگر تأثیر بگذارد. روابط معلم و دانش آموز به طور گسترده ای بر انگیزه های دانش آموز (بریچ و لد^۱، ۱۹۹۶؛ دیویس^۲، ۲۰۰۳؛ ایسنبرگر و زمبیلز^۳، ۲۰۰۶؛ و نودیگنز^۴، ۱۹۹۲)، رشد هوش (گلدشتاین^۵، ۱۹۹۹) و پیشرفت او (مولر، کاز و دانس^۶، ۱۹۹۹؛ نیتو^۷، ۱۹۹۶) مؤثر است.

روابط معلم-دانش آموز به شدت تحت تأثیر مذهب و فرهنگ هر کشور می باشد. مذهب نظام سازمان یافته ای از باورها شامل سنت، ارزش های اخلاقی، رسوم و مشارکت در یک جامعه دینی برای اعتقاد راسخ تر به خدا یا یک قدرت برتر است (والش^۸، ۲۰۰۹). باور به این که خدایی هست که موقعیت ها را کنترل می کند و ناظر بر بندگان است تا حد بسیاری، اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می دهد؛ به طوری که اغلب افراد مؤمن معتقدند که می توان از طریق اتکاء و توسل به خداوند، اثر موقعیت های غیر قابل کنترل را به گونه ای کنترل کرد (فونتولاکیز، کوناستانشنوس، سیامولی، ملینا، مگیریا و استاماتیا، کاپرینیس و گرگ^۹، ۲۰۰۸).

^۱ . Birch & Ladd

^۲ . Divis

^۳ . Isenbarger & Zembylas

^۴ . Noddings

^۵ . Goldstein

^۶ . Muller, Katz & Dance

^۷ . Nieto

^۸ . Walsh

^۹ . Fountoulakis, Konstantinos N., Siamouli, Melina., Magiria, Stamatia., Kaprinis,

دین برای آدمی موهبتی است که او را به یک فلسفه حیات مسلح می کند. باورهای دینی همواره در طی تاریخ حیات بشر با او همراه بوده اند و در هیچ دوره و زمانی بشر بدون اعتقادات دینی نبوده است. دین از طریق برقراری یک نظم اخلاقی، تدارک فرصت هایی برای به دست آوردن شایستگی های یاد گرفته شده و تهیه قوانین اجتماعی نقشی مؤثر در بروز یا پیشگیری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی، سلامت جسمانی و حتی مسائل بهداشت روانی دارد (واچن^{۱۰}، ۲۰۰۸؛ راسیک، بلیک، کاتز و سارین^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ برگ، مایر و میلر^{۱۲}، ۲۰۱۱؛ یانکر و دهان^{۱۳}، ۲۰۱۲).

تحقیقات متعددی در مورد مذهب و پیشایندها و پیامدهای آن صورت گرفته است. در غالب تحقیقات خارجی و داخلی اتفاق نظر بر این است که وجود باورها یا فعالیت های مذهبی منجر به پیامدهای مثبتی در زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی فرد می شود (جیبسون^{۱۴}، ۲۰۰۴؛ مزیدی و استوار^{۱۵}، ۲۰۰۶)؛ و پر واضح است که این موضوع بر زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی معلمان جامعه نیز مؤثر است.

نقش مؤثر و مثبت معنویت و باورهای مذهبی بر بهداشت روان و سبک زندگی سالم (سوراجکول و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۸؛ هیلز و همکاران^{۱۷}، ۲۰۰۵؛ مازلکو و کوبزنسکی^{۱۸}، ۲۰۰۰؛ فرانسیس و همکاران^{۱۹}، ۲۰۰۳؛ غباری بناب و همکاران، ۲۰۰۸)، امری روشن است.

دین همانطور که بررسی شد آئین و دستورات الهی را شامل می شود و این دستورات در شعاع وابستگی بشر به خدای متعال شکل می گیرد به عبارت دیگر: دین و آئین الهی حقیقتی است که در ذات انسان آفریده شده و او در هنگام تولدش آن را با خود دارد و با وجود مربیان الهی پرورش می یابد و تمامی تبلیغات انبیاء و پیشوایان معصوم علیه السلام بر مبنای همان سرمایه فطری دور می زند و بصورت پرده برداشتن از روی اسراری که خالق متعال در وجود آدمی قرار داده می باشد و هیچ انسان بی دین دنیا نیامده بلکه دین در خمیرمایه وجودش آفریده شده است و هدف از بعثت انبیاء علیه السلام جلوگیری از انحرافات بشر، از آئین فطری می باشد.

آنچه معلوم و مبرهن است اینکه پیشوایان معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) سرچشمه تمام فضائل و کمالات هستند و هر ترقی و پیشرفت در زندگی انسانها، در هر زمینه ای باشد از آنها دریافت شده است زیرا راه ورود به خزینه علم خداوندی برای آنها بدون مانع است و لذا در هیچ موردی از پاسخ دادن عاجز نشده اند و در عصر و زمان خودشان از تمام مردم ممتاز بوده اند و حضرت امام رضا علیه السلام به این نکته اشاره می کند: ان الانبیاء و الاوصیاء (صلوات الله علیهم) یوقفهم الله و یسددهم ویؤتیهم من مخزون علمه و حکمته مالا یؤتی غیرهم، یکون علمه فوق علم اهل زمانه... (تحفه العقول)؛ انبیاء و جانشینان آنها را خدای متعال توفیق داده و یاری می کند واز مخزن علم و حکمش به آنها می دهد که به غیر آنها ندهد علم و دانش او [امام] برتر از دانش همه اهل زمان خودش می باشد. حضرت امیر علیه السلام در این زمینه می فرماید: ((قَبَعَتْ فِیْهِمْ رُسُلُهُ وَ اَتَرَ الْیَهُمْ اَنْبِیَاءَهُ، لَیْسَتْ اَدْوُهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ، وَ یَذْکُرُوهُمْ مَنْسِیَ نِعْمَتِهِ وَ یَحْتَجُّوْا عَلَیْهِم بِالْتَّبْلِیْغِ، وَ یُشِیْرُوْا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ))؛ خداوند متعال رسولان خود را مبعوث و یکی را بعد از دیگری بسوی آنها [انسانها] فرستاد تا آنها را به سمت برنامه های فطریشان سوق دهند و نعمت های فراموش شده را یادآوری کرده و با تبلیغات و بیان حقائق راهنمایی کنند و از اسرار و دفینه های عقلشان پرده بردارند.

همچنین در این رابطه امام رضا علیه السلام می فرماید: «رَحِمَ اللّٰهُ عَبْدًا أَحْیَا أَمْرًا قُلْتُ کَیْفَ یَحْیِیْ أَمْرُکُمْ قَالَ یَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ یُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»؛ امام رضا علیه السلام می فرماید: خداوند رحمت کند بنده ای را که

George.

¹⁰ . Vachon¹¹ . Rasic, Belik, Elias, Katz & Sareen¹² . Burg, Mayers & Miller¹³ . Yonker & DeHaan¹⁴ . Jibson¹⁵ . Mazidi & Ostovar¹⁶ . Sorajjakool, S., & et al.¹⁷ . Hills, J., & et al.¹⁸ . Maselko, J., & Kubzansky, L. D.¹⁹ . Francis L. J., & et al.

زنده می کند امر ما را؛ پرسیدم چگونه زنده می کنند امر شما را؟ حضرت فرمودند: با تعلیم و فراگیری علوم ما به خودش و مردم و زمانی که مردم به زیبایی کلام ما علم پیدا کنند هر آینه از ما تبعیت می کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹).

مفاهیم و آموزه های قرآنی و متون اسلامی بسیار متنوع بوده و در عین حال از اصول و چارچوب های نظری قدرتمندی برخوردار می باشند. این آموزه ها را می توان با فاکتورهای مختلف طبقه بندی و مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش شاخصه های اخلاقی لازم در روابط اجتماعی آموزگار از دیدگاه قرآن کریم و امام رضا (ع) مورد توجه قرار گرفته و متناسب با محدودیت زمانی و برنامه های آموزشی مورد بررسی قرار می گیرد.

آیات بیانگر اصول اخلاق قرآنی در روابط اجتماعی

منظور از اصول اساسی، روح حاکم بر مجموعه های اخلاقی در عرصه های مختلف است. این اصول به منزله ستون فقرات نظام اخلاقی و تربیتی ایفای نقش می کنند؛ به گونه ای که نظام مسائل و مباحث اخلاقی تربیتی بر آن استوار می باشد. مهم ترین اصول اخلاقی که از مرور آیات قرآن به دست می آید، عبارتند از:

الف) رشد و تعالی علمی و اخلاقی، (بقره/ ۲۱، ۳۰، ۱۲۹، ۱۷۰، ۲۵۷، ۲۸۶؛ جمعه/ ۲، ۵؛ کهف/ ۶۶؛ مریم/ ۸۱، ۹۶، ۹۳؛ فرقان/ ۶۳؛ حجر/ ۲۹، ۲۸، ۴۲؛ فاطر/ ۹۳؛ انعام/ ۴۸، ۱۰۲، ۱۱۶، ۱۳۲؛ هود/ ۵۲؛ ذاریات/ ۵۶؛ اعراف/ ۱۷۹، ۲۰۶؛ طه/ ۱۴، ۱۲۴؛ حج/ ۷۷؛ رعد/ ۲۸؛ عنکبوت/ ۴۵؛ انفال/ ۶، ۲۲، ۲۹؛ قریش/ ۳، ۴؛ احزاب/ ۶۷؛ یونس/ ۳۹؛ مجادله/ ۱۱؛ زمر/ ۹؛ علق/ ۱، ۲؛ ملک/ ۱۰؛ یونس/ ۹، ۱۰۰؛ ابراهیم/ ۱۹؛ روم/ ۸؛ مجادله/ ۱۱؛ محمد/ ۳۲؛ ملک، ۲؛ انعام/ ۱۶۰) (قرآن کریم، نوروزی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۲؛ رضایی اصفهانی و نجفی جزه ای، ۱۳۹۳)

ب) قسط و عدل، (نحل/ ۹۰؛ شوری/ ۱۵؛ حدید/ ۲۵؛ فرقان/ ۶۷؛ اسراء/ ۲۹، ۱۱۰؛ لقمان/ ۱۹؛ آل عمران/ ۳، ۱۸، ۵۷، ۱۸۲؛ نساء/ ۳، ۴۰، ۵۸؛ انفطار/ ۷، ۸؛ جاثیه/ ۲۲؛ بقره/ ۱۹۳، ۲۱۹؛ شمس/ ۸؛ انعام/ ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۱۵؛ مائده/ ۸، ۴۲؛ ممتحنه/ ۸؛ شعرا/ ۱۸، اعراف/ ۲۹، ۳۱؛ انفال/ ۶۹).

ج) پاک سازی آلودگی ها (نحل/ ۹۰؛ مؤمن/ ۵۵؛ عنکبوت/ ۶۹؛ اعلی/ ۱۴؛ عبس/ ۳۳ تا ۴۲؛ کهف/ ۱۹، ۷۴، ۸۱؛ مریم/ ۱۳، ۱۹؛ بقره/ ۲، ۱۲۹، ۱۵۱؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲)

د) کرامت انسان (اسراء/ ۷۰؛ بقره/ ۸۳؛ نساء، ۸۶؛ احزاب/ ۲۱؛ انعام/ ۵۴؛ آل عمران/ ۱۵۹؛ حجر/ ۸۸؛ لقمان/ ۱۸)

ه) اعتدال و میانه روی (آل عمران/ ۶۷، ۱۱۰، ۱۴۷، ۱۸۳، ۱۴۶؛ بقره/ ۷۵، ۱۴۳؛ کهف/ ۲۸؛ مائده/ ۱، ۳۲، ۵؛ یونس/ ۸۳؛ دخان/ ۳۱؛ لقمان/ ۱۹؛ طه/ ۱، ۲، ۳؛ انعام/ ۶، ۱۴۱؛ نساء/ ۱۹، ۵۸؛ نحل/ ۹۰؛ اسراء/ ۲۷؛ زمر/ ۱۰؛ زلزال/ ۷، ۸)

بر اساس فرهنگ قرآن، این امور پنج گانه باید در همه مباحث اخلاقی و در تمامی عرصه ها مد نظر باشند. این است که قانون قرآن و تعالیم اسلام، تمام مصالح فردی و اجتماعی را در نظر گرفته است و قوانین را تشریح و تنظیم نموده است که می تواند پاسخگوی تمام نیازمندی های مختلف جوامع بشری بوده، بر تمام جنبه های دنیوی و مادی انسان ها نظارت کند و تمام جنبه های معنوی و اخروی را تأمین نماید. معلم مسلمان، باید از این امور پنج گانه در رشد و ارتقاء و تکامل انسانی خود و دانش آموزانش حداکثر استفاده را ببرد.

اخلاق اجتماعی امام علی (ع)

اول: عدالت اجتماعی

۱ - عدالت در رفتار اجتماعی

در روزگار خلافت خلیفه دوم، شخصی ادعائی نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشت و بنا شد در حضور خلیفه رسیدگی شود. مدعی حاضر شد و خلیفه خطاب به امام علی علیه السلام گفت: ای ابالحسن در کنار مدعی قرارگیر تا حل دعوا کنم. در این هنگام آثار ناراحتی را در سیمای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هویدا شد و خلیفه با دیدن آن بر چهره ی امیر مومنان گفت: ای علی! از اینکه تو را در کنار دشمن قرار دادم ناراحتی؟ امام علی علیه السلام فرمود: نه بلکه از آن

جهت که در رفتار نسبت به ما دو نفر عدالت را رعایت نکردی نگران شدم، زیرا او را با نام صدا کردی و مرا با کنیه و لقب (ابوالحسن) خواندی (شرح ابن ابی الحدید ۱۳۷۸) ممکن است طرف دعوا نگران شود.

۲- احترام به شخصیت انسانها

الف - عذر خواستن از پیادگان

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سواره به راهی می رفت و جمعی از مردم کوفه برای پاس داشتن حرمت امام علی علیه السلام پیاده به دنبالش روان بودند. امام رو به آنان کرد و پرسید: آیا کاری دارید؟ پاسخ دادند: نه، دوست داریم بدنبال شما بیاییم. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود برگردید، زیرا همراهی پیاده با سواره مایه ذلت و خواری پیادگان و غرور و تباهی سواره خواهد شد. (حکمت ۳۲۲ نهج البلاغه).

امام علی علیه السلام به بزرگ قبیله شبامیان فرمود: ارجع، فَإِنَّ مَشِيَ مِثْلِكَ مَعَ مِثْلِي فِتْنَةٌ لِلْوَالِي، وَمَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ باز گرد، که پیاده رفتن رئیس قبیله‌ای چون تو پشت سر من، موجب انحراف زمامدار و زبونی مؤمن است. (حکمت ۳۷ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف)

ب - نکوهش از آداب جاهلی ذلت‌بار

بسیاری از پادشاهان و قدرتمندان در طول تاریخ مردم را وادار می کردند که در برابرشان به خاک بیافتند، گرنش کنند، خم شوند، و انواع ذلت‌پذیری‌ها را بر خود هموار کنند. وقتی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای رفتن به صقین به شهر "انبار" رسید دید که مردم شهر تا امام علی علیه السلام را دیدند از اسبها پیاده شده، و در پیش روی آن حضرت شروع به دویدن کردند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام علت را پرسید. گفتند: یک رسم محلی است که پادشاهان خود را اینگونه احترام می‌کردیم. امام علی علیه السلام ناراحت شد و فرمود:

وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ! وَإِنَّكُمْ لَتَشْفُقُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ، وَتَشْفُقُونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ. وَمَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ، وَارْبَحَ الدَّعَاةَ مَعَهَا الْأَلَمَانُ مِنَ النَّارِ!

به خدا سوگند! که امیران شما از این کار سودی نبرند، و شما در دنیا با این کار خود را به زحمت می‌افکنید، و در آخرت دچار رنج و زحمت می‌گردید، و چه زیانبار است رنجی که عذاب در پی آن باشد، و چه سودمند است آسایشی که با آن امان از آتش جهنم باشد (تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۲۹ - و - الغارات ثقفی ص ۳۲)

۳- اصلاحات اجتماعی (شکست نظام طبقاتی)

بر اساس آیه ۱۳ حجرات: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى؛ ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، پس همه انسانها، نژادها، قبیله‌ها با هم برابرند.

رسول گرامی اسلام علیه السلام با همه بگونه‌ای مساوی برخورد می کرد اما خلیفه اول و خلیفه دوم و خلیفه سوم به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نکردند، و انواع تبعیضات در تقسیم مدیریت‌ها، و توزیع بیت المال صورت گرفت که قابل چشم پوشی نبود. خلیفه اول، حتی بزرگان انصار را در لشکرهای خود فرماندهی نمی‌داد و تنها ثابت بن قیس را با اصرار و اجبار به کار گماشت که انصار اعتراض کردند. و دومی و سومی، آنقدر در زنده شدن روح نژاد پرستی، افراط کردند که همه زبان به اعتراض گشودند.

عرب خود را بر غیر عرب برتری می‌داد. بنی امیه همه مراکز کلیدی کشور را در زمان خلیفه دوم و به خصوص در زمان خلیفه سوم در دست گرفتند و یک نظام طبقاتی جاهلی به وجود آوردند، که شباهتی با جامعه رسول خدا صلی الله علیه و آله نداشت. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یکی از اهدافش، شکستن بافت طبقاتی ظالمانه موجود جامعه بود. وقتی موجودی بیت‌المال را مساوی تقسیم کرد، اعتراض امتیاز خواهان بلند شد. به همه ۳ درهم داد و برای خودش هم ۳ درهم برداشت، و به آزاد کرده خودش قنبر هم ۳ درهم داد. برخلاف شیوه‌های سه خلیفه قبلی، بزرگان انصار را ولایت داد، از قریش و بنی‌هاشم هم استفاده کرد، و حتی در نشستن و برخاستن نیز چونان رسول خدا صلی الله علیه و آله عدالت رفتاری را رعایت

کرد. روزی اشعث بن قیس بر امام علی علیه السلام وارد شد، دید که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در میان عرب و غیر عرب از نژادهای گوناگون نشسته است و جای خالی برای او نیست، با ناراحتی به امام علی علیه السلام اعتراض کرد که: ای امیرمؤمنان، سرخپوستها بین ما و تو فاصله انداختند (کتاب الغارات ثقفی ص ۳۴۱ - و - نقش ائمه در احیاء دین ج ۱۴ علامه عسگری)

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خشمناک شده، به او فرمود: چه کسی مرا بر این آدمهای چاق و فربه یاری می‌دهد؟ و نپذیرفت که ایرانیان و غیر عرب پراکنده شوند، تا اشعث و دیگر بزرگان عرب در کنار امام علی علیه السلام بنشینند. و در تقسیم مساوی بیت‌المال به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام اعتراض کردند و گفتند: آیا این عدالت است که بین ما و آنان که با شمشیر ما مسلمان شدند یا بنده آزادشده ما هستند، یکسان عمل کنید و به همه ۳ درهم بدهید؟

۴- گسترش عدالت نسبت به کودک سقط شده دشمن (در زمان جنگ)

چون لشگر بصره پس از شکست در جنگ جمل فرار کردند و به شهر هجوم می‌بردند، زنی حامله از فریادها و هیاهوی فراریان، به شدت ترسید و بچه او سقط شد. پس از مدتی کوتاه آن زن نیز فوت کرد. وقتی خبر به امام علی علیه السلام رسید، ناراحت شده، چنین قضاوت کرد: "دیه آن کودک و دیه آن مادر را از بیت‌المال به خانواده‌اش بپردازید (شجره طوبی ص ۴۰۷ - و - دُرُّ المطالب). باینکه مردم بصره از شورشگرانی بودند که با امام علی علیه السلام جنگیدند، چنین قضاوت عادلانه‌ای عقل‌ها را به شگفتی وامی‌دارد.

دوم - رسیدگی به یتیمان

۱- خندانند یتیمان

قنبر می‌گوید: روزی امام علی علیه السلام از حال زار یتیمانی آگاه شد، به خانه برگشت و برنج و خرما و روغن فراهم کرده درحالی‌که آن را خود به دوش کشید، مرا اجازه حمل نداد، وقتی به خانه یتیمان رفتیم غذاهای خوش طعمی درست کرد و به آنان خوراند تا سیر شدند. سپس بر روی زانوهای و دودست راه می‌رفت و بچه‌ها را با تقلید از صدای بَع بَع گوسفند می‌خندانند، بچه‌ها نیز چنان می‌کردند و فراوان خندیدند. سپس از منزل خارج شدیم. گفتم: مولای من، امروز دو چیز برای من مشکل بود. اول: آنکه غذای آن‌ها را خود بر دوش مبارک حمل کردید. دوم: آنکه با صدای تقلید از گوسفند بچه‌ها را می‌خندانید. امام علی علیه السلام فرمود: اولی برای رسیدن به پاداش، و دومی برای آن بود که وقتی وارد خانه یتیمان شدم آن‌ها گریه می‌کردند، خواستم وقتی خارج می‌شوم، آن‌ها هم سیر باشند و هم بخندند (کوکب درّی ج ۲ ص ۱۳۲).

۲- رسیدگی به محرومان

امام علی علیه السلام رسیدگی به محرومان را تنها با دستورالعمل و فرمان انجام نمی‌داد، بلکه شخصاً به رفع مشکلات مردم می‌پرداخت. نان و خرما را درون زنبیل می‌گذاشت و با دوش مبارک حمل می‌کرد و به فقراء می‌رساند. اصحاب و یاران می‌گفتند: یا امیرالمؤمنین، نَحْنُ نَحْمِلُهُ؛ یا امیرالمؤمنین علیه السلام ما این بار را برمی‌داریم. حضرت پاسخ می‌داد که: رَبُّ الْعِيَالِ أَحَقُّ بِحَمْلِهِ؛ رهبر امت سزاوارتر است که بردارد (کوکب درّی ج ۲ ص ۱۳۱).

۳- پرهیز از اخلاق پادشاهان

امام علی علیه السلام به تنهایی در بازار قدم می‌زد، و مردم را ارشاد می‌فرمود. هرگاه عده‌ای در اطراف آن حضرت یا پشت سر او راه می‌رفتند یا جمع می‌شدند، می‌ایستاد و می‌فرمود: کاری دارید؟ می‌گفتند: دوست داریم با شما باشیم و با شما راه برویم. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمود: انْصَرِفُوا وَ ارْجِعُوا؛ بروید و به راه خود بازگردید زیرا این گونه رفتارها "مَفْسَدَةٌ لِلْقُلُوبِ" قلب‌ها را فاسد می‌کند.

۴- سر زدن به خانواده‌های شهدا و رفع مشکلات آن‌ها

ابن شهر آشوب از عبدالواحد بن زید نقل می‌کند که: روزی در کنار کعبه به عبادت مشغول بودم، دختر کوچکی را دیدم که خدا را به حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام سوگند می‌دهد و نام و شخصیت امام علی علیه السلام را در قالب الفاظ و عباراتی زیبا بیان می‌دارد. شگفت‌زده شدم، پیش رفتم و پرسیدم: ای دختر کوچک، آیا تو خودت علی علیه السلام را می‌شناسی؟

پاسخ داد: آری چگونه علی را نمی‌شناسم درحالی که از آن روز که پدرم در صفین به شهادت رسید و ما یتیم شدیم، علی علیه السلام همواره از ما حال می‌پرسید و مشکلات ما را برطرف می‌کرد. روزی من به بیماری آبله دچار شدم و بینائی خود را از دست دادم. مادر و خانواده‌مان سخت ناراحت بودند، که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خانه ما آمد، مادرم مرا نزد امام علی علیه السلام برد و ماجرا را تعریف کرد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آهی کشید و شعری خواند و دست مبارک را بر صورت من کشید. فوراً چشمان من بینا شد و هم‌اکنون به‌خوبی اجسام را از فاصله‌های دور می‌بینم، آیا می‌شود علی علیه السلام را شناخت؟

۵ - کمک به یتیمان و همسران شهدا

روزی امیرالمؤمنین دیدنی مشک آبی به دوش گرفته می‌برد، امام علی علیه السلام مشک آب را از او گرفت و به محلی که زن می‌خواست آورد، آنگاه از حال زن پرسید. زن گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام شوهر مرا به بعضی از مرزهای نظامی فرستاد و در آنجا کشته شد، چند طفل یتیم برای من گذاشت و احتیاج مرا وادار کرده است تا برای مردم خدمت کنم که خود و اطفالم را تأمین نمایم. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آنجا بازگشت. سپس زنبیلی که در آن طعام بود برداشت و قصد خانه زن کرد. بعضی از یارانش گفتند: بگذارید ما ببریم. فرمود: کیست که بار مرا در قیامت بردارد؟ چون به در خانه زن رسید، زن پرسید: کیست که در می‌زند؟ فرمود: همان بنده خدا هستم که دیروز مشک آب را برای تو آوردم، در را باز کن برای بچه‌هایت طعام آورده‌ام. زن گفت: خدا از تو راضی باشد و میان من و علی بن ابیطالب حکم کند، سپس در را باز کرد. امام علی علیه السلام داخل شد، فرمود: من کسب ثواب را دوست دارم، می‌خواهی تو خمیر کن و نان بپز و من بچه‌ها را آرام کنم و یا من خمیر کنم و تو آن‌ها را آرام کنی؟ زن گفت: من به نان پختن آگاه‌ترم و شروع به خمیر گرفتن کرد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گوشت را آماده کرد و لقمه‌لقمه به دهان اطفال گوشت و خرما می‌گذاشت و به هر یک می‌فرمود: علی را حلال کن، در حق تو کوتاهی شده است. چون خمیر آماده شد، زن گفت: بنده خدا تنور را آتش کن. امام علی علیه السلام تنور را آتش کرد. حرارت شعله به چهره آن حضرت می‌رسید و می‌فرمود: بپش حرارت آتش را، این سزای کسی است که از زنان بیوه و اطفال یتیم بی‌خبر باشد. در این میان زنی از همسایه داخل خانه شد، که امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌شناخت به زن صاحب‌خانه گفت: وای بر تو این کیست که برای تو تنور را آتش می‌کند؟ زن جواب داد: مردی است که به اطفال من رحم کرده است. زن همسایه گفت: وای بر تو این امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است. آن زن چون حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را شناخت پیش دوید و گفت: واحیائی منک یا امیرالمؤمنین؛ ای امیر مؤمنان از شرمندگی آتش گرفتم، مرا ببخشید. امام علی علیه السلام فرمود: بَلْ واحیائی منک یا أُمّة الله فیما قُصُرَتْ فی حَقِّک؛ بلکه من از تو شرمنده‌ام، ای کنیز خدا، در حق تو کوتاهی شده است (بحار الانوار ج ۴۱ ص ۵۲ - و - مناقب آل ابیطالب ج ۲ ص ۱۱۶).

سوم - رسیدگی به جوانان

تهیه پیراهن بهتر برای جوان

روزی امام علی علیه السلام با یکی از کارگران منزل به نام قنبر به بازار رفته و دو عدد پیراهن، یکی به دو درهم و دیگری به سه درهم خرید. پیراهن نو و بهتر را به قنبر داد که بپوشد و خود پیراهن ساده را پوشید. قنبر گفت: مولای من، بهتر است که پیراهن بهتر را شما بپوشید. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: تو جوانی و باید لباس خوب بپوشی و سن من بالاست باید لباس ارزان‌تر داشته باشم من از پیامبر صلی‌الله علیه و آله شنیدم که فرمود: از طعامی که می‌خورید به غلامانتان بدهید و از لباس‌هایی که می‌پوشید به آن‌ها بپوشانید. من از خدای خود خجالت می‌کشم که پیراهن نو را خودم و کهنه را به تو بپوشانم (مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۳۶۶ - و - بحار الانوار ج ۸ - و - الغارات ج ۱).

موضوعات اخلاقی در روابط اجتماعی از دیدگاه امام رضا (ع):

حفظ شأن در اجتماع

امام رضا (ع) در اشاره به همین نکته فرمودند: ((برخی دوستان من مایلند که من روی نمد بنشینم و لباس خشن بپوشم، در حالی که شرایط زمان، چنین چیزی را بر نمی تابد)) (عطاردی، ۱۴۰۶ ق).

آراستگی

آراستگی و خودآرایی امری پسندیده است که هم مهمان و هم میزبان باید آن را رعایت کند، امام رضا (ع) در تشویق به رعایت آراستگی در اجتماع، از یک سو، تمیزی و آراستگی را از اخلاق پیامبران دانسته اند: ((من أخلاق الأنبياء التَّنَظُّفُ؛ نظافت و تمیزی از اخلاق پیامبران است)) (کلینی، ۱۴۰۱ ق) و از سوی دیگر در ابراز ناخرسندی و اشاره به زشتی پلشتی فرمودند: ((إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَيُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ؛ خداوند بزرگ، زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و فقرنمایی را دشمن دارد)) (مجلسی، ۱۴۰۳).

سخاوت

از آن رو که جود و سخاوت در استوارسازی زندگی خانوادگی و اجتماعی نقشی بسزا دارد، شریعت اسلام بر آن تأکید بسیار کرده است؛ امام رضا (ع) فرمودند: ((السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ؛ انسان سخاوتمند به خدا، به مردم و به بهشت نزدیک است)) (صدوق، ۱۴۰۴؛ به نقل از وطن پرست، ۱۳۹۳).

استعمال بوی خوش

به دلیل اهمیت استفاده از بوی خوش در اجتماع، امام رضا (ع) آن را از اخلاق پیامبران دانسته، می فرمایند: ((الطَّيِّبُ مِنَ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ؛ استعمال بوی خوش از اخلاق پیامبران است)) (کلینی، ۱۴۰۱ ق). آن حضرت در ضرورت استفاده از بوی خوش فرمودند: ((لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَلَا يَدَعُ ذَاكَ؛ شایسته نیست مرد، بوی خوش را در هر روز ترک کند، پس اگر توان این کار را نداشت، یک روز در میان انجام دهد و اگر نتوانست، در هر جمعه انجام دهد و آن را ترک نکند (همان)).

زدودن بوی نامطبوع از بدن

همان طور که شریعت اسلام، به استعمال بوی خوش توصیه کرده، به زدودن بوی نامطبوع مانند بوی دهان نیز توصیه کرده است، زیرا بهداشت دهان و دندان، پیش از آنکه امری اسلامی باشد، امری حیاتی و انسانی بوده که لازم است در طول حیات آدمی رعایت شود. امام رضا (ع) که تربیت یافته مکتب اسلام است، در خصوص بهداشت دهان و دندان، رفتار و رهنمودهایی شنیدنی دارند، از جمله آنکه به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ((أَفَوَاهُكُمْ طَرَقَ مِنْ طَرَقٍ رَبَّكُمْ فَتَنَظَّفُوها؛ دهان های شما راه هایی از راه های پروردگارتان است، پس آن را پاکیزه کنید)) (مجلسی، ۱۴۰۳ ق).

آن حضرت در اشاره به برخی فواید مسواک زدن فرمودند: ((السَّوَاكُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُنِيبُ الشَّعْرَ وَ يَذْهَبُ بِالْذَمْعَةِ؛ مسواک زدن، نور چشم را زیاد می کن، مو را می رویاند و آبریزش چشم را از بین می برد)) (طبرسی، ۱۳۹۲). حضرت هر شب و هر روز صبح مسواک می زدند و بعد از آن، دهان خود را با جویدن کندر خوشبو می ساختند (عطاردی، ۱۴۰۶).

تشکر و قدردانی

امام رضا (ع) درباره ضرورت تشکر و قدردانی فرموده اند: ((مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ؛ هر کس از تشکر برای مخلوقی که به او نعمتی رسانده است دریغ ورزد، در حقیقت از سپاسگزاری برای خداوند متعال دریغ ورزیده است)) (حائری، ۱۳۸۵).

برخورداری از روحیه اجتماعی

امام رضا (ع) که در مکتب اجدادش حضرت محمد (ص) و امام صادق (ع) رشد یافته و فرهنگ اسلاف خویش را به ارث برده است، با اشاره به ضرورت زیستن اجتماعی انسان، در توصیه هایی کارآمد که به نهادهای شدن این ویژگی در میان انسان ها می

انجامد فرمودند: ((تَزَاوَرُوا تَحَابُوا وَ تَصَافَحُوا وَ لَا تَحَاشَمُوا؛ به دیدن یکدیگر روید تا یکدیگر را دوست داشته باشید، دست یکدیگر را بفشارید و نسبت به یکدیگر خشم نگیرید)) (صدوق، ۱۴۰۶ ق).

آن حضرت در جای دیگر در نکوهش کسانی که عزلت گزیده، کمک خویش را از دیگران دریغ داشته و به تنهاخوری خو گرفته اند، خطاب به علی بن شعیب فرمودند: ((عَلَى! إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رَفْدَهُ وَ أَكَلَ وَحْدَهُ؛ ای علی! بدترین مردم این است که یاریش را از مردم باز دارد و تنها بخورد)) (شریف قرشی، ۱۳۷۲).

امام رضا (ع) در حدیثی، شاخصه های عقلانیت در روابط اجتماعی را چنین بیان می کنند: «لَا يُنِمُّ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ؛ عقل انسان مسلمانی کامل نمی شود مگر اینکه ۱۰ ویژگی در او وجود داشته باشد» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق).

۱. به خیر او امید داشتن

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت در روابط اجتماعی را چنین بیان می کنند: «الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ؛ خیر از او مورد آرزوست» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق).

یکی از آرزوهای امامان (ع) در متون دینی این است که منشأ خیر برای دیگران باشند، به عنوان نمونه امام سجاد (ع) در دعای مکارم الخلاق می فرماید: «وَأَجِرْ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرِ؛ خدایا برای مردم توسط من کارهای خیر جاری کن» (نبیل شعبان، ۱۴۱۰ ق).

از معلم که شخصیتی علمی و فرهنگی دارد، انتظار این است که در نظام تعلیم و تربیت، منشأ خیر و برکت باشد.

۲. مردم از شرش در امن هستند.

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت در رفتار اجتماعی را چنین بیان می کنند: «وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ؛ مردم از شرش در امانند» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق).

امام رضا (ع) این شاخصه را چنین بیان می کنند: «وَالْمُسْلِمُ الَّذِي يَسْلِمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ جَارَهُ يَوَاقِفَهُ؛ مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند و از ما نیست کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد» (ابن بابویه، ۱۳۷۷).

در رابطه بسیار عمیق معلم - دانش آموز، تأثیر این حس ناخوشایند بسیار زیاد است و اثرات جبران ناپذیری به آینده دانش آموز وارد می کند؛ از اینرو دانشگاه فرهنگیان باید به طور جدی بر کاهش این مورد اهتمام ورزد.

۳. برجسته کردن تلاش دیگران گرچه اندک باشد.

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: «يَسْتَكْثِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ؛ کار خیر اندک دیگران را زیاد می شمرد» (عطاردی، ۱۴۰۶).

«يَسْتَكْثِرُ» ریشه اش «کثر» و در لغت به معنای زیاد شدن است. در اینجا از باب استفعال استفاده شده و یکی از معانی باب استفعال، یافتن مفعول بر صفتی است (طباطبایی، ۱۰۴).

که در اینجا معنای جمله چنین می شود: با اینکه این کار اندک است، ولی عاقل این کار را زیاد می بیند و زیاد می شمرد و این بدین سبب است که انسان دوست دارد دیگران به عملکرد مثبت او توجه کنند و از آن تجلیلی شود. وقتی انسان عاقل کار خوب اندک دیگران را مورد توجه قرار داد و برجسته کرد، دیگران نیز تشویق می شوند کار خیر اندک خود را زیاد کنند، رفته رفته خیررسانی در جامعه گسترش می یابد و کاستی های جامعه برطرف می شود.

باید توجه داشت کار خیر دیگران شامل کارهای خیر گفتاری و رفتاری می شود؛ بنابراین یکی از شاخصه های عقلانیت در روابط اجتماعی این است که کار خیر گرچه اندک باشد مورد تجلیل قرار گیرد و برجسته شود تا هم انجام دهنده ی کار خیر تشویق شود و کار خیر خود را گسترش دهد و هم دیگران تشویق شوند و از او الگو برداری کنند.

۴. کار خیر خود را برجسته نکردن.

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: «وَيَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ؛ کار خیر بسیار خود را اندک بشمارد» (همان).

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت را برجسته کردن کار خیر اندک دیگران شمرده بودند، ولی در این عبارت، امام (ع) شاخصه ی دیگری را مطرح می کنند که کار خیر بسیار خود را برجسته نکند. چه بسا به نظر می رسد این دو شاخصه با هم ناسازگاری دارند، ولی چنین نیست، بلکه با توضیحی، این ناسازگاری ابتدایی برطرف می شود.

باید توجه داشت هر کاری ممکن است از زاویه های مختلف مورد توجه قرار گیرد و از هر زاویه ای دارای حکمی باشد. شاخصه ی کار خیر دیگران با همان نکته ی روان شناسانه که بیان شد باید برجسته شود، ولی کارخیر خود را نباید برجسته کرد و تعریف کرد، زیرا به رخ کشیدن کار خیر و افشا کردن آن در مواردی آبروی افراد را به خطر می اندازد. از این رو در اسلام دستور های فراوانی داده شده است که تا حد ممکن، کارخیر، مخفیانه انجام شود. به عنوان نمونه، حضرت رضا (ع) می فرمایند: «مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ اخْفَاءُ الْعَمَلِ؛ از گنج های نیکی، پنهان کردن کار است» (ابن بابویه، ۱۳۷۷)

از طرف دیگر تعریف کردن و برجسته کردن کار نیک خود زمینه ی پیدایش عجب را در انسان به وجود می آورد. عجب صفت زشت اخلاقی است که آن را چنین تعریف کرده اند: عجب آن است که انسان به دلیل ویژگی که در خود احساس می کند خود را بزرگ شمارد، خواه آن ویژگی را داشته باشد یا نه و خواه آن ویژگی کمال باشد یا نه (نراقی، بی تا).

۵. از گره گشایی از کار دیگران خسته نشدن.

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: «لَا يَسَامُ مَنْ طَلَبَ الْحَوَائِجَ إِلَيْهِ؛ از مراجعه های مردم خسته نمی شود» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق).

در توضیح کلام امام (ع) باید گفت گاهی شخص در جامعه جایگاهی دارد که مردم برای حل مشکلات خود به او مراجعه می کنند و در مواردی مراجعه مردمی فراوان است. در اینجا شاخصه ی عقلانیت اجتماعی این است که از تلاش برای برطرف کردن خواسته های مردم خسته نشود.

۶. از تلاش علمی خسته نشدن.

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: «وَيَمِلُّ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ طَوْلَ دَهْرِهِ؛ در طول عمر خود از تلاش علمی خسته نمی شود» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق).

ابتدا به نظر می رسد که این شاخصه، شاخصه ی فردی باشد نه اجتماعی. ولی با توجه به اینکه بازتاب تلاش علمی به جامعه و حل مشکلات جامعه و پیشرفت آن بر می گردد، روشن می شود که این شاخصه ی اجتماعی است، به خصوص اگر به این نکته توجه کنیم که علم، قوی ترین ابزار سلطه جهان کفر بر جهان اسلام است. آنگاه اهمیت این نکته روشن می شود که تلاش علمی، چه آموزش دیدن، چه آموزش دادن و چه پژوهش کردن، یک تکلیف شرعی، ملی و انقلابی است؛ زیرا اگر ما عقب ماندگی علمی داشته باشیم بی گمان به دیگران نیاز داریم، آنگاه دیگران در برطرف کردن این نیاز، آن اندازه از این دانش را در اختیار ما می گذارند که موجب تقویت ما نشود تا برای آنان ضرری نداشته باشد و در این مبادله ی علمی شرایط خود را بر ما تحمیل می کنند.

۷. برتر دانستن فقر با خدا از ثروت بدون خدا

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: «أَلْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى؛ فقر همراه با خدا، نزد او از ثروت محبوب تر است» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق).

۸. برتر دانستن ذلت همراه با خدا از عزت همراه با دشمن خدا.

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: «وَالذُّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ؛ ذلت در راه خدا، نزد او از عزت با دشمنی خدا دوست داشتنی تر است» (همان)

در توضیح کلام امام رضا (ع) باید گفت: عزت و ذلت دو مفهوم مخالف هستند. مفهوم ذلت نزد مردم روشن تر است، ولی عزت را در لغت چنین معنا می کنند: «حَالَهُ مَانَعَهُ لِلْإِنْسَانِ مِنْ أَنْ يُنَلَّبَ؛ عزت یک حالت روانی است که نمی گذارد انسان شکست بخورد» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ ق).

همه ی انسان ها این حالت روانی را دوست دارند و در صدد دست یابی به این هدف هستند ولی راه آن را نمی دانند. عده ای تصور می کنند گردآوری مال برای آنان عزت می آورد، عده ای تصور می کنند به دست آوردن پست و مقام برای آنان عزت

می آورد، ولی همین عده بعد از اینکه به این امور رسیدند تازه احساس می کنند که به هدف یعنی عزت نرسیدند، بلکه از درون احساس ذلت می کنند.

خداوند می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا: کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که تمام عزت برای خداست» (فاطر/۱۰)

در این آیه خداوند مشخص می کند که مصداق عزت تنها در پیوستن به خداست و پیامبر (ص) می فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلُّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطْعِ الْعَزِيزُ؛ پروردگارتان می فرماید: تنها عزیز همیشگی من هستم. پس هر کس عزت دنیا و آخرت را می خواهد از من اطاعت کند» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق).

بنابراین یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی این است که برای عزیز شدن و دستیابی به عزت باید با خدا پیوند خورد نه اینکه از خدا برید.

۹. گمنامی، دوست داشتنی تر از شهرت

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: «وَالْخُمُولُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهُرَةِ؛ گمنامی نزد او دوست داشتنی تر از شهرت است» (عطار دی، ۱۴۰۶ ق).

باید توجه داشت معنای کلام امام رضا (ع)، انزوای اجتماعی نیست، زیرا همه ی شاخصه های پیشین برای فعالیت اجتماعی طراحی شده است.

۱۰. پرهیز از برتری طلبی

امام رضا (ع) یکی از شاخصه های عقلانیت اجتماعی را چنین بیان می کنند: ثُمَّ قَالَ (ع): الْعَاشِرَةُ قِيلَ لَهُ: مَا هِيَ؟ قَالَ (ع): لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَأَتَقَى، إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ: رَجُلٌ خَيْرٌ مِنهُ وَأَتَقَى وَ رَجُلٌ شَرٌّ مِنهُ وَأَدْنَى، فَإِذَا لَقِيَ الَّذِي هُوَ شَرٌّ مِنهُ وَأَدْنَى قَالَ: خَيْرٌ هَذَا بَاطِنٌ وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ خَيْرِي ظَاهِرٌ وَ هُوَ شَرٌّ لِي وَ إِذَا رَأَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ مِنهُ وَأَتَقَى تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَ طَالَبَ خَيْرِهِ وَ حَسَنَ ذِكْرِهِ وَ سَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ؛ چه دهمی؟ پرسیدند: دهمی چیست؟ فرمودند: هیچ فرد مسلمانی را نمی بیند مگر اینکه با خود گوید: او بهتر از من و باتقواتر از من است. امام در توضیح این معیار خود می فرماید: مردم دو گروه هستند: کسی که از او بهتر و باتقواتر است و کسی که از او بدتر و پست تر است. هنگامی که با کسی رو به رو می شوید که از او بدتر و پست تر است، با خود می گوید: خوبی این شخص پنهان است و آن برایش بهتر است و خوبی من آشکار است و این برایم بد است و هنگامی که با کسی روبه رو می شود که از او بهتر و باتقواتر است در برابر او تواضع می کند تا هم مسلک او شود. هنگامی که چنین کند، بزرگی او فزونی یابد و نیکی او پاکیزه شود و مردم از او به نیکی یاد کنند و آقای مردم عصر خود می شود (عطار دی، ۱۴۰۶ ق).

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی شاخصه های اخلاقی مؤثر بر روابط معلم - دانش آموز از دیدگاه قرآن کریم و آموزه های امام علی (ع) و امام رضا (ع) بود. با توجه به نگاه همه جانبه قرآن کریم به رشد اخلاقی انسان و با طبقه بندی آیات کریم پنج بعد اخلاقی در روابط اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است:

رشد و تعالی علمی و اخلاقی، قسط و عدل، پاک سازی آلودگی ها، کرامت انسان، اعتدال و میانه روی بر اساس فرهنگ قرآن، این امور پنج گانه باید در همه مباحث اخلاقی و در تمامی عرصه ها مد نظر باشند. این است که قانون قرآن و تعالیم اسلام، تمام مصالح فردی و اجتماعی را در نظر گرفته است و قوانین را تشریح و تنظیم نموده است که می تواند پاسخگوی تمام نیازمندی های مختلف جوامع بشری بوده، بر تمام جنبه های دنیوی و مادی انسان ها نظارت کند و تمام جنبه های معنوی و اخروی را تأمین نماید. معلم مسلمان، باید از این امور پنج گانه در رشد و ارتقاء و تکامل انسانی خود و دانش آموزانش حداکثر استفاده را ببرد.

از دیدگاه امام علی (ع)، اخلاق اجتماعی شامل عدالت اجتماعی، رسیدگی به یتیمان، رسیدگی به محرومان و سرزدن به خانواده شهدا می باشد.

از دیدگاه امام رضا (ع)، اصول و مبانی روابط اجتماعی چنین بیان شده است:
آراستگی، سخاوت، استعمال بوی خوش، زدودن بوی نامطبوع از بدن، تشکر و قدردانی، حفظ شأن در اجتماع، برخورداری از روحیه اجتماعی که خود شامل ۱۰ شاخصه است:

۱. به خیر او امید داشتن
۲. مردم از شرش در امن هستند.
۳. برجسته کردن تلاش دیگران گرچه اندک باشد.
۴. کار خیر خود را برجسته نکردن.
۵. از گره گشایی از کار دیگران خسته نشدن.
۶. از تلاش علمی خسته نشدن.
۷. برتر دانستن فقر با خدا از ثروت بدون خدا
۸. برتر دانستن ذلت همراه با خدا از عزت همراه با دشمن خدا.
۹. گمنامی، دوست داشتنی تر از شهرت
۱۰. پرهیز از برتری طلبی

پیشنهادهای

با توجه به جایگاه بسیار مهم دانشگاه فرهنگیان در تربیت معلمان متعهد و متخصص؛ و تأثیرات انکارناپذیر روابط معلم - دانش آموز، پیشنهاد می گردد موضوعات اخلاقی منبعث از متون دینی، توسط اندیشمندان و متخصصان به صورت برنامه آموزشی تدوین گردد و به عنوان برنامه تربیتی تحت عنوان مهارت های زندگی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. این برنامه می تواند با تلفیق موضوعات دینی با رویکردهای روان شناسی اثربخشی بیشتری داشته باشد.

همچنین پیشنهاد می گردد به منظور اثربخشی بیشتر، ابتدا کارگاه های حضوری و یا برنامه های غیرحضوری، برای اساتید و کارمندان دانشگاه و سپس برای دانشجو معلمان گذاشته شود.

پیشنهاد دیگر این است که دانشگاه فرهنگیان کارگاه هایی به همین منظور به صورت ضمن خدمت برای همکاران شاغل در آموزش و پرورش تدارک ببیند.

در صورتی که کارگاه هایی با موضوعات اخلاقی با مشاوره های گروهی همراه شود، اثربخشی آن دوچندان خواهد بود.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] جعفری، سید ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا؛ و لیاقت دار، محمدجواد. (۱۳۸۳). شادمانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، میزان و عوامل مؤثر بر آن. طب و تزکیه، ۵۴: ۲۳-۱۵.
- [۳] حائری، محمدمهدی. (۱۳۸۵ ق). شجره طوبی. نجف اشرف: الحیدریه.
- [۴] حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۳). وسائل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۵] رضایی اصفهانی، محمدعلی، نجفی جزه ای، حمید. (۱۳۹۳). تربیت عبادی از منظر قرآن. دو فصلنامه علمی - ترویجی قرآن کریم. سال هشتم، ش ۱۴، بهار و تابستان، صفحات ۸۵ - ۱۲۰.
- [۶] شریف قرشی، باقر. (۱۳۷۲ ش). حیاة الامام الرضا. قم: سعیدبن جیر.
- [۷] صدوق، محمدبن علی. (بی تا). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- [۸] طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۹۲ ق). مکارم الخلاق. چاپ ششم، نجف: شریف رضی.
- [۹] عطاردی، عزیز الله. (۱۴۰۶). مسند الامام الرضا. مشهد: کنگره جهانی امام رضا ع ۹.
- [۱۰] کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۱ ق). الکافی. بیروت: دارالتعارف.
- [۱۱] گیج، ان. ال. (۱۳۷۹). مبانی علمی هنر تدریس. ترجمه محمود مهرمحمدی. انتشارات مدرسه.
- [۱۲] ماهرزاده، طیبه. (۱۳۸۵). نقش آموزه های دینی در کاهش خشونت خانوادگی، پژوهش های تربیت اسلامی، س ۱، ش ۳، پاییز.
- [۱۳] مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۴] معاونت آموزشی و پژوهشی. (۱۳۹۱). اساسنامه دانشگاه فرهنگیان. وزارت آموزش و پرورش
- [۱۵] نراقی، محمد مهدی. (بی تا). جامع السعادات. نجف: دارالنعمان.
- [۱۶] نوروزی، رضا علی؛ کوهی اصفهانی، هاجر. (۱۳۹۲). بررسی و تبیین ((انسان متعال)) از منظر قرآن کریم. فصلنامه معارف قرآنی. دوره ۴، شماره ۱۴، پاییز، ۱۰۱-۱۳۰.
- [۱۷] وطن دوست، رضا. (۱۳۹۳). آداب مهمانی و میزبانی در سیره و تعالیم رضوی. فرهنگ رضوی، سال دوم، شماره ششم.
- [18] Birch, S. H. & Ladd, G.W. (1996). Interpersonal relationships in the school environment and children's early school adjustment: The role of teachers and peers. In: J. Juvonen and K. Wentzel, Editors, Social motivation: Understanding children's school adjustment, Cambridge University Press, New York.
- [19] Burg, S., Mayers, R. A., & Miller, L. J. (2011). Spirituality, Religion and Healthy Development in Adolescents. In B. B. B. Editors-in-Chief & J. P. Mitchell (Eds.), *Encyclopedia of Adolescence* (pp. 353-359). San Diego: Academic Press.
- [20] Davis, H. A. (2003). Conceptualizing the role and influence of student- teacher relationships on children's social and cognitive development, *Educational Psychologist*, 38 (4), 207-234.
- [21] Fountoulakis, Konstantinos N., Siamouli, Melina., Magiria, Stamatia., Kaprinis,- George. (2008). late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly, *Interpreting the data. Medical Hypotheses*.70: 493-496.
- [22] Francis, L.J, Robbins, M., Lewis, C. A., Quigley, C. F.,& Wheeler, C. (2003). Religiosity and General Health Among Undergraduate Students: A Response to O'Connor. *personality and Individual Difference*; 37(3): 485-94.
- [23] Gobaribanab, B. (2008). [Spiritual intelligence]. *Journal of Andishe Novine Dini.*;3(10):100-10. [Article in Persian]
- [24] Goldstein, L. S. (1999). The relational zone: the role of caring relationships in the co-construction of mind. *American Educational Research Journal*, 36 (3): 647-673.
- [25] Hills, J., Paice, J. A., Cameron, J. R., & Shot, S. (2005). *Spirituality and Distress In Palliative Care Consultation. Journal of Palliative Medicine*, 8(4), 782-788.
- [26] - Isenbarger, L. & Zembylas, M. (2006). The emotional labour of caring in teaching. *Teaching and Teacher Education*, 22: 120-134.

- [27] - Jibson, R. (2004). *A study of the relationship between religious orientation and family cohesion*. Master s thesis, California State University, Long Beach.
- [28] - Maselko, J., & Kubzansky, L. D. (2006), Gender Differences in Religious Practices, Spiritual Experiences and Health: Results from The Us General Social Survey. *Social Science & Medicine*, 62, 2848-2860.
- [29] - Mazidi, Mohammad & Ostovar, Soghra (2006). Effects Of Religion And Type Of Religious Internalization On The Mental Health Of Iranian Adolescents. *Perceptual and Motor Skills*, 103, P.301 306.
- [30] - Muller, C., Katz, S. R. & Dance, L. J. (1999). Investing in teaching and learning: dynamics of the teacher–student relationship from each actor's perspective. *Urban Education*, 34 (3): 292–337.
- [31] - Nieto, S. (1996). *Affirming diversity* (2nd ed.), Longman, New York.
- [32] - Noddings, N. (1992). *Challenge to care in schools: An alternative approach to education*. Teachers College Press, New York.
- [33] - Rasic, D. T., Belik, S.-L., Elias, B., Katz, L. Y., Enns, M., & Sareen, J. (2009). Spirituality, religion and suicidal behavior in a nationally representative sample. *Journal of Affective Disorders*, 114(1–3), 32-40.
- [34] - Vachon, M. (2008). Meaning, Spirituality, and Wellness in Cancer Survivors. *Seminars in Oncology Nursing*, 24(3), 218-225.
- [35] - Yonker, J. E., Schnabelrauch, C. A., & DeHaan, L. G. (2012). The relationship between spirituality and religiosity on psychological outcomes in adolescents and emerging adults: A meta-analytic review. *Journal of Adolescence*, 35(2), 299-314.